

جهت‌گیری‌های عام‌گرایانه و عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر آن (مورد مطالعه: جامعه‌ی شهری دهدشت)

کریم رضادوست^۱، علی حسین حسین‌زاده^۲، احسان کهنگیل^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۲/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۶/۲۳

چکیده

مطالعه‌ی حاضر به بررسی عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر عام‌گرایی در شهر دهدشت (از توابع استان کهگیلویه و بویراحمد) پرداخته است. جامعه‌ی آماری افراد ۱۵ سال و بالاتر، حجم نمونه ۳۸۲ نفر، روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای، نوع تحقیق پیمایش و ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه بوده است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان داده است که مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی عام، تعهد اجتماعی، تعمیم‌یافته و پایگاه اجتماعی- اقتصادی با متغیر وابسته رابطه‌ی مستقیم و معنی‌داری دارند. هم‌چنین، احساس انومی، احساس محرومیت نسبی و اعتماد خاص رابطه‌ی معکوس و معنی‌داری با عام‌گرایی دارند. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نیز نشان داده است که متغیرهای وارد شده در تحقیق ۲۵ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کند که در این میان مشارکت اجتماعی بیش‌ترین سهم را در تبیین واریانس عام‌گرایی دارد. طبق نتایج حاصل از تحلیل مسیر، پایگاه اجتماعی- اقتصادی ذهنی و اعتماد اجتماعی عام به صورت مستقیم بر عام‌گرایی تأثیری ندارند؛ اما به ترتیب از طریق متغیرهای احساس محرومیت و مشارکت اجتماعی بر عام‌گرایی تأثیرگذار هستند.

واژه‌های کلیدی: عام‌گرایی، خاص‌گرایی، احساس محرومیت، مشارکت اجتماعی، کهگیلویه و بویر احمد

rezadoostk@yahoo.com

alios81@yahoo.com

kohansalehsan@gmail.com

^۱ دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

^۲ دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

^۳ کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز (نویسنده مسؤل)

مقدمه و بیان مسأله

«در دانش جامعه‌شناسی پایبندی به رفتارهای قانون‌مند را تحت عنوان «عام‌گرایی» می‌شناسند. در مقابل این واژه، خاص‌گرایی قرار دارد. عام‌گرایی به‌طور کلی به‌معنای توجه به ضوابط، مقررات و شرایطی است که تضمین‌کننده‌ی منافع و مصالح عمومی است. در یک فرهنگ عام‌گرا، افراد بر این باورند که قواعد و ارزش‌های جامعه مهم‌تر و پایدارتر از منافع و خواست‌های آنان، بستگان و دوستانشان می‌باشند» (میرفردی، ۱۳۸۸: ۱۱۴).

عام‌گرایی به‌عنوان یک نگرش، پیامدهای عمیق و گسترده‌ای در سطح فردی و جمعی دارد و رفتارهای فردی و جمعی را جهت می‌دهد. این موضوع به‌عنوان یکی از جهت‌گیری‌های اصلی کنش اجتماعی وقتی تحقق می‌یابد که اعضای جامعه در فرآیندهای نهادی و درونی شدن ارزش‌ها در جامعه شرکت جویند و آن‌را به انجام برسانند؛ یعنی انگاره‌های فرهنگی ارزشی درونی شده و بخشی از ساخت شخصیت کنشگر را تشکیل داده باشند (طالبی، ۱۳۷۸: ۲۰۳).

در عصر حاضر، شناسایی مؤلفه‌های اجتماعی، تعریف فرهنگ شهروندی، عام‌گرایی و هم‌نوایی عاملان با نظام استانداردهای ارزشی و چگونگی نهادینه کردن و اعمال این ویژگی‌ها و خصوصیات در زندگی اجتماعی از مهم‌ترین دغدغه‌ها و نگرانی‌ها در هر جامعه‌ای است.

در ایران، در راستای بهبود اوضاع و پیشرفت اهداف جامعه‌ای، موانع تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و شخصیتی زیادی نمود دارند. عواملی تاریخی از جمله حاکمیت روابط خانوادگی بر تمامی عرصه‌های زندگی فردی و جمعی و در نتیجه فقدان احساس تعلق به مکان و سازمان، غلبه‌ی انتساب بر اکتساب و عدم تحقق شایسته سالاری، عدم شکل‌گیری فرد صاحب حقوق، شهروند موظف و مسئول، و ترجیح روابط خونی به روابط انجمنی و شهری، ضعف جامعه‌ی مدنی و نهادهای مرتبط با آن، اشغال عرصه‌ی عمومی به‌وسیله‌ی حکومت و احساس بی‌قدرتی و تماشاچی بودن در میان افراد جامعه در هر سطح و لایه‌ای (موسوی، ۱۳۹۱: ۱۶۴-۱۶۸).

هم‌چنین، از نظر شخصیتی و روانشناسی جمعی، اگرچه ایرانیان در زمینه‌های خانواده، قومی و قبیله‌ای و مذهبی سخت مشارکت‌جو و دیگر خواهانه عمل می‌کنند در محیط‌های رسمی، عمومی و دولتی، نامشارکتی و خودخواهانه رفتار می‌کنند. بنابراین، روانشناسی جمعی اغلب مردم ایران با مشخصاتی هم‌چون عاطفه‌گرایی در برابر خردگرایی، سنت‌گرایی در برابر نوگرایی، انفعال‌گرایی در برابر فعال‌گرایی و خاص‌گرایی در برابر عام‌گرایی تشخیص یافته است. اگرچه پس از انقلاب به

دلیل گسترش تحصیلات دانشگاهی و ارتقای سطح پیش عمومی، تغییراتی در رفتار جمعی ملت صورت گرفته است ولی این تغییرات چندان عمیق و گسترده نیست(همان، ۱۷۷).

استان کهگیلویه و بویر احمد نیز از استان‌های کمتر توسعه یافته و در حال گذار است. چنین جوامعی از طرفی با رشد شهرنشینی، گردش سریع اطلاعات و گسترش مناسبات مدرن، با کاهش وجدان جمعی و ارزش‌های سنتی مشترک مواجه می‌شوند و از طرف دیگر، موانع و مشکلاتی در راه قانون‌مداری، هنجارپذیری، سازگاری اجتماعی و نهادینه کردن ارزش‌های جدید در این جوامع وجود دارد. از این‌رو، ناتوان از سازگاری با تغییرات و دگرگونی‌های جدید، دچار آنومی، ناهنجاری و تأخرهای فرهنگی می‌شوند که به کشاکش میان مناسبات سنتی و جدید می‌انجامد؛ به طوری که، نگرش‌های خاص گرایانه‌ی مبتنی بر خانواده‌گرایی و طایفه‌گرایی، پارتی بازی، ضعف نهادهای قانونی، قانون‌گریزی و... مصداق‌های عینی جامعه‌ای در حال گذار و نشان از فقدان روح جمعی در این جوامع است (صداقت‌زادگان، ۱۳۸۱: ۲۳۰-۲۳۱).

تا پیش از تحولات اخیر، نظام اجتماعی- سیاسی استان کهگیلویه و بویراحمد مبتنی بر خویشاوندی و به صورت ایل‌ی بود. این نظام تا دهه‌ی ۱۳۴۰ ه.ش. چه در حیطه‌ی کارکردی و چه در حیطه‌ی نظری حضور جدی داشت. اگرچه طی سال‌های اخیر، به علت افزایش سواد عمومی و تحصیلات عالی، عامه‌ی مردم به تدریج از موقعیت اجتماعی و اقتصادی بالاتری برخوردار شدند، ساخت خانواده از گسترده به هسته‌ای تغییر صورت داده است، طبقه‌ی متوسط شهری در حال گسترش است و نخبگان، تحصیل‌کردگان، جوانان و زنان نقش ویژه‌ای در تحولات اجتماعی و سیاسی پیدا کرده‌اند؛ با این وجود هنوز تعصبات خاص‌گرایانه‌ی ایل‌ی، منطقه‌ای و خانوادگی از بین نرفته است و در موقعیت‌ها و فرصت‌های مختلفی از جمله انتخابات، شغل‌یابی و کسب مناصب اداری و غیره خود را نشان می‌دهد (جهان‌بین، ۱۳۸۰: ۱۹۹-۲۰۳).

در پژوهش حاضر به بررسی عوامل مؤثر بر جهت‌گیری‌های عام‌گرایانه در شهر دهدشت (از توابع استان کهگیلویه و بویراحمد) پرداخته شده است و سؤال اصلی این است که:

چه عواملی بر شکل‌گیری جهت‌گیری‌ها و نگرش‌های عام‌گرایانه/خاص‌گرایانه‌ی افراد تأثیر گذار هستند؟

مبانی نظری

جامعه هدفی است که خود بهتر ما بدان بستگی دارد؛ چنانچه هدفی برای فعالیت‌های افراد باقی نمانده باشد افراد از اهداف جمعی گریزانند. این مسأله وا رفتن پیوندهای اجتماعی را که نوعی سستی و درماندگی دسته جمعی یا بیماری اجتماعی است منعکس می‌کند (آبراهامز، ۱۳۶۳: ۲۰۸-۲۱۴).

به عقیده‌ی دورکیم^۱، ساختار اجتماعی یک جامعه به گونه‌ای خودکار اندیشه و رفتار مناسب را در افراد تولید می‌کند. هنگامی که ساختارهای گوناگون در سازگاری طبیعی باشند، سلامتی و بهنجار بودن متداول است. آسیب‌شناسی و بحران هنگامی رخ می‌دهد که ساختارها منظم نباشند، به‌خصوص در دوره‌ی انتقالی میان دو صورت که در این مدت صور نامناسب به‌صورت بقایا می‌مانند یا از میان می‌روند، ولی هنوز صور مناسب جایگزین آن‌ها نشده‌اند (له‌مان، ۱۳۸۵: ۵۱-۵۸). زمانی که مردم متوجه شوند سرنوشت آن‌ها به سرنوشت دیگران وابسته است برای همکاری مشتاق‌تر هستند. از این منظر که ما به دیگران نیاز داریم باید تلاش برای همبستگی ارگانیک ترویج شود (پاسکو و دیویلد، ۲۰۱۲: ۴۱۶-۴۱۹). جایی که هر فرد در جامعه دارای حوزه‌های عمل و نقشی خاص در جهت بهبود عملکرد کل جامعه است افراد وابستگی بیش‌تری به جامعه و نقش‌های دیگر پیدا می‌کنند و در نتیجه آگاهی فردی بیش‌تر توسعه پیدا می‌کند (آلسانتر و دیگران، ۲۰۱۲: ۳۴۶).

حدود خواسته‌های فرد در جامعه تابع هنجارهای خاصی است و از این طریق، شخص می‌تواند تمایلات، خواهش‌ها و خواسته‌های خود را محدود و در حدی معتدل و عملی تنظیم کند. در صورت شکست و گسستگی هنجارهای جامعه (آنومی)، فرد قادر به برقراری رابطه‌ی منطقی میان خود و جامعه نیست و نمی‌تواند در متابعت از قوانین، هدف‌ها و رفتار خود را تنظیم کند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۵۴-۵۵).

به عقیده‌ی پارسونز^۲، الگوهای فرهنگی به نظام کنش ساخت می‌دهند اما این الگوها بنا به طبیعت خود، کنشگر را ترغیب می‌کنند که انتخاب کند، داوری کند، حکم صادر کند، موضع‌گیری کند، و رفتاری موافق یا مخالف دیگری در پیش گیرد. کنشی که راهنمایش ارزش‌ها هستند، ناگزیر در آن واحد یک انتخاب و یک امتناع است، یک قبول و یک رد است، تمایل به چیزی و تنافر از

¹ Emile durkheim

² Talcott parsons

چیزی دیگر است، یک بله و یک نه است. خلاصه‌ی کلام، دوگانگی و تناقض جزیی از ماهیت ارزش‌هاست.

پارسونز تقابلی را که تونیس میان جامعه و اجتماع برقرار کرده بود چند بعدی می‌دانست و این ابعاد را چون یک دسته پرسش‌های دو گزینه‌ای که هر کنشگر در رابطه با دیگری با آن‌ها روبه‌رو می‌شود، در نظر می‌گرفت. وی تعداد این پرسش‌های دو گزینه‌ای را در هر جامعه‌ای محدود می‌دانست و خود تعداد آن‌ها را چهارتا اعلام کرد و آن‌ها را متغیرهای الگویی^۱ کنش نامید (گی‌روشه، ۱۳۷۶: ۶۷-۶۹). پارسونز با ردیف کردن این متغیرهای الگویی، طبیعت کنش اجتماعی را به خصوصیات نظام‌های اجتماعی ربط می‌دهد.

زمانی که نظام‌های اجتماعی با مسائل انطباق‌پذیری مواجه می‌شوند، بهترین راه‌حل برای این مسائل توسل به کنش اجتماعی‌ای می‌باشد که مشخصه‌ی آن، بی‌طرفی عاطفی، خاص بودن، عام‌گرایی و عملکرد است. این چهار متغیر الگویی که متناسب با انطباق‌پذیری هستند، الگوی عامی برای جهت‌گیری به‌وجود می‌آورند (همان: ۲۰۸-۲۰۹). بر مبنای این نظریه، با ایجاد تغییرات در ساخت‌هنجارهای اجتماعی به ویژه مجموعه ارزش‌ها سستی که مانع مشارکت می‌شوند، می‌توان جهت‌گیری‌های افراد را به سمت رفتارهای جامعه‌ای سوق داد.

متغیرهای الگویی پارسونز عبارتند از: خاص‌گرایی- عام‌گرایی، عاطفی- بی‌طرفی عاطفی، کیفیت- عملکرد، جامعیت- ویژگی. یعنی هرچه ارزش‌گذاری‌ها و رفتار افراد به سمت عام‌گرایی و بی‌طرفی عاطفی باشد و افراد و اشیا براساس عملکرد و ویژگی آن‌ها مورد قضاوت قرار بگیرند و این نگرش‌ها در رفتار افراد انعکاس پیدا کند، به سمت اجتماع جامعه‌ای حرکت می‌کنیم (کرایب، همان: ۶۰).

مهم‌ترین متغیر الگویی پارسونز عام‌گرایی در برابر خاص‌گرایی است. عام‌گرایی در برابر خاص‌گرایی، یکی از انتخاب‌های ممکن فراروی کنشگران در نحوه‌ی سوگیری نسبت به اعیان مختلف اجتماعی، فرهنگی و فیزیکی است. یکی از مهم‌ترین عناصری که زمینه‌ساز تمایل به سوگیری عام‌گرایانه تلقی می‌شود، اعتماد تعمیم‌یافته است. اعتماد تعمیم‌یافته که در فرآیند توسعه‌ی اجتماعی و بسط روابط میان‌گروهی شکل می‌گیرد، زمینه‌ساز احساس مسئولیت، تعادل اجتماعی و بسط عام‌گرایی است و برعکس ضعف تمایلات میان‌گروهی، تحدید عواطف، اعتماد، احساس

^۱ pattern variables

مسئولیت و در پی آن روابط خاص‌گرایانه، پیامدهای زیانباری چون بی‌نظمی و از هم‌پاشیدگی سازمان اجتماعی را به دنبال خواهد داشت (غفاری و نوایی، همان: ۲۱۱).

به عقیده‌ی پارسونز، در جوامعی که موقعیت خانوادگی موجب نفوذ و در نهایت رده‌بندی افراد می‌شود و پایگاه اجتماعی اغلب بسته به روابط بیولوژیکی است، برای نظام آزادی انتخاب افراد لایق و تخصیص موقعیت‌های اجتماعی جدای از اشخاص وجود ندارد. اما در وضعیتی که کسب امتیاز شخصی موجب نفوذ پایگاه خویشاوندی می‌شود، تکامل به سوی نظامی از رده‌ها که به طور غیرشخصی قشربندی شده باشند، آغاز می‌شود. در چنین شرایطی، با شکل‌گیری یک «مای» جدید، اساس هنجاری و وسیع‌تری مطرح می‌شود و تمایلی به سوی قواعد هنجاری آشکاری که بیان‌کننده‌ی تعلق و شهروندی است شکل می‌گیرد. به محض شکل‌گیری این قواعد، زمینه‌های هنجاری عامی در جهت یکپارچگی اجتماعی، جایگزین الزامات ملموس خاص می‌شود. با بسط هویت جمعی مطمئن‌تر، آزادی انطباق بیشتر می‌شود، فضای نوآوری افزایش می‌یابد و توان انطباق بیش‌تری به‌وجود می‌آید (اسکیدمور، همان: ۲۲۲-۲۲۳).

بر طبق نظریه‌ی بی‌سازمانی اجتماعی، نظام اجتماعی در صورتی سازمان یافته و هماهنگ است که در خصوص هنجارها و ارزش‌های آن نوعی اتفاق‌نظر درونی و اجماع‌نظر وجود خواهد داشت. بر اساس این تئوری، در وضعیت بی‌هنجاری، هنجارهای اجتماعی مطلوبیت خود را از دست می‌دهند و مدیریت اخلاقی لازم را بر افراد نمی‌توانند اعمال کنند. در نتیجه، افراد نمی‌توانند جهت رفتار خویش را تعیین کنند؛ لذا فرد در چنین وضعیتی به درون خویش پناه برده و پیوندهای اجتماعی را نفی می‌کند. همراه با این وضعیت، اعتماد اجتماعی که لازمه‌ی آن وجود ضمانت‌های هنجاری متقابل است کاهش می‌یابد و افراد مشارکت کمتری در روابط اجتماعی خواهند داشت و در نتیجه تعهدات آن‌ها نیز رو به نقصان می‌رود (فاطمی‌نیا و حیدری، ۱۳۸۹: ۵۰). در کل می‌توان چنین گفت که تئوری بی‌سازمانی اجتماعی بر شرایط ساختاری و نوعی از سازمان اجتماعی تأکید می‌کند که نقطه مقابل اعتماد، مشارکت، همبستگی و پیوندهای اجتماعی است. شرایطی که در آن، شبکه‌های اجتماعی ضعیف، مشارکت در جامعه کم و اعتماد پایین است (عباس‌زاده و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۵۵-۱۵۶).

در یک نظام اجتماعی، خواه یک کشور، اجتماع محلی یا یک انجمن، آنچه در بی‌سازمانی اجتماعی دخالت دارد، وجود نارسایی و وقفه‌هایی است که در کانال‌های کارآمد ارتباطی میان مردم در یک نظام اجتماعی پدیدار می‌شود.

به عقیده‌ی مرتن^۱، نوع مشکل اجتماعی که به بی‌سازمانی مربوط می‌شود، برخلاف کجروی، بر اثر عدم انطباق مردم با نیازمندی‌های پایگاه اجتماعی‌شان به وجود نمی‌آید، بلکه ناشی از سازماندهی نادرست این پایگاه‌ها در یک نظام اجتماعی دارای هم‌بستگی منطقی است (مرتین، ۱۳۸۵: ۴۹-۵۶). وی آنومی (بی‌هنجاری) را ناشی از گسست میان اهداف فرهنگی و راه‌های رسیدن به این اهداف می‌داند. به عبارتی، شکاف میان اهداف و راه‌های دستیابی به این اهداف، منتج به شکست ارزش‌ها در سطح اجتماعی و فردی می‌شود.

طبق نظریه‌ی محرومیت نسبی^۲، احساس محرومیت نسبی متأثر از درک افراد از عادلانه بودن جامعه است. بنابراین افرادی که درک آن‌ها از جامعه و یا سازمان‌هایی که با آن‌ها سر و کار دارند دلالت بر عدالت داشته باشد و جامعه را عدالت محور ببینند تعهد و مسئولیت‌پذیری بیشتری دارند تا آن کس که جامعه را ناعادلانه می‌پندارد (فاطمی‌نیا و حیدری، همان: ۵۱).

رابرت گار^۳، از نظریه‌پردازان رهیاف «محرومیت نسبی»، احساس محرومیت را نتیجه‌ی احساس وجود شکاف میان توقعات ارزشی و قابلیت‌های ارزشی می‌داند. توقعات یا انتظارات ارزشی را باید مجموعه‌ای از کالاها، منافع و شرایط زندگی دانست که مردم خود را در به دست آوردن آن‌ها ذی‌حق می‌دانند. توانایی یا قابلیت‌های ارزشی کالاها و شرایطی هستند که مردم بر این باورند در صورت در اختیار داشتن ابزارهای جمعی قادر خواهند بود آن‌ها را به دست آورند (نواح و تقوی‌نسب، ۱۳۸۶: ۱۴۹ و لهسایی‌زاده، ۱۳۹۱: ۳۸). بنابراین، به نظر می‌رسد که توزیع نابرابر امکانات در یک جامعه مهم‌ترین علت پیدایش احساس محرومیت باشد. اما عامل دیگر در پیدایش احساس محرومیت به غیر از عامل نابرابری، مقایسه‌های اجتماعی است.

بنا به نظریه مقایسه‌های اجتماعی لئون فستینگر^۴، هرگاه افراد به معیارها و مقایسه‌های عینی دست پیدا نکنند، عقاید و استعداد‌های خود را با دیگرانی که تقریباً شبیه خود آن‌ها می‌باشد مقایسه می‌کنند. پس از شکل‌گیری فرآیند مقایسه‌ی اجتماعی، جریان نیازآفرین و احساس نیاز از قشر بالا به قشر پایین سرایت می‌کند و چون انسان‌ها موجودات منفعلی نیستند، در پی ارضای نیازهای خود هستند. اما به علت محدودیت جامعه در توزیع امکانات یکسان ایب ارضای نیازهای متعدد و متنوع، زمینه برای احساس محرومیت فراهم می‌شود (امام جمعه‌زاده و دیگران، ۱۳۹۱: ۵۰-۵۱).

¹ Robert k. merton
² relative deprivation
³ Ted Robert gurr
⁴ Leon festinger

نظریه‌های احساس محرومیت نسبی در دو سطح فردی و گروهی قابل بررسی است. احساس محرومیت در سطح فردی باعث گسترش اضطراب، آشفتگی، بیگانگی و انزوای فرد در اجتماع می‌شود؛ در حالی که احساس محرومیت در سطح گروهی به کاهش مشارکت به‌هنگار، گسترش خشونت سیاسی، کشمکش داخلی و غیره می‌انجامد (همان: ۵۲).

به عقیده‌ی چلبی، تعاملات اجتماعی به چهار نوع: تعاملات عاطفی (اجتماعی)، تعاملات قدرت، تعاملات مبادله‌ای، و تعاملات گفتمانی (ارتباطات نمادی) تفکیک می‌شود. این چهار نوع تعاملات به ترتیب مسئول اصلی چهار نوع اجتماع یعنی اجتماع طبیعی، اجتماع سیاسی، اجتماع اقتصادی و اجتماع اخلاقی است. به هر حال آنچه مهم است، کم و کیف این چهار نوع اجتماع و نحوه‌ی ارتباط آن‌ها در شبکه‌ی تعاملات جامعه است.

با نفوذ اجتماع طبیعی در انواع تعاملات اجتماعی و هم‌چنین افزایش پیوندهای ضعیف یا به عبارتی پل‌های ارتباطی در شبکه‌ی تعاملات جامعه، روابط میان گروهی و در نتیجه انسجام عام تقویت می‌شود و به همان نسبت هویت جامعه‌ای نسبت به سایر هویت‌های جمعی برتری کسب می‌کند. با عمده شدن هویت جامعه‌ای نسبت به سایر هویت‌های جمعی، میزان عام‌گرایی نقش‌ها و میزان عام‌گرایی کنشگران افزایش می‌یابد که به نوبه‌ی خود موجب تقویت هم‌بستگی عام و اجتماع عام می‌گردد (چلبی، ۱۳۸۹: ۹۹-۱۰۰).

خاص‌گرایی در سطح نظام شخصیتی مانعی است بر سر راه تعریض افق نمادی و هنجاری کنشگران اجتماعی، عدم تعریض افق نمادی نیز می‌تواند موجب عدم به‌کارگیری گسترده‌ی اصول فرهنگی در میدان‌های تعاملی جامعه شود. در مقابل، برتری اصول عام مشترک نسبت به اصول خاص باعث تقویت وحدت نمادی و مفاهمی فرهنگی در سطح جامعه می‌شود. به‌علاوه این برتری کمک می‌کند تا احساس تعلق به اجتماع جامعه‌ای تقویت شود و به این ترتیب هویت جامعه‌ای در رأس سایر هویت‌های جمعی قرار گیرد. در این صورت تعهد عمومی اعضای جامعه هم‌هم‌زمان تقویت می‌شود و هم‌تعمیم می‌پذیرد (همان: ۱۴۰).

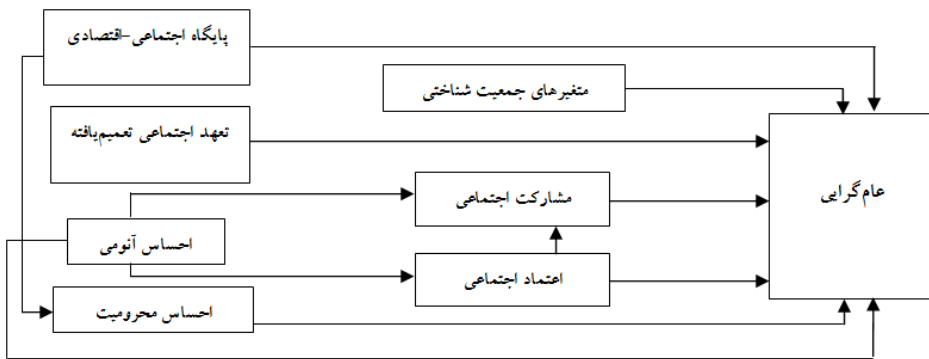
فرضیه‌های پژوهش

فرضیه‌ی اول: به نظر می‌رسد میان مشارکت اجتماعی و عام‌گرایی رابطه وجود دارد.

فرضیه‌ی دوم: به نظر می‌رسد میان اعتماد اجتماعی و عام‌گرایی رابطه وجود دارد.

فرضیه‌ی سوم: به نظر می‌رسد میان پایگاه اجتماعی-اقتصادی و عام‌گرایی رابطه وجود دارد.

- فرضیه‌ی چهارم: به نظر می‌رسد میان احساس آنومی و عام‌گرایی رابطه وجود دارد.
- فرضیه‌ی پنجم: به نظر می‌رسد میان احساس محرومیت و عام‌گرایی رابطه وجود دارد.
- فرضیه‌ی ششم: به نظر می‌رسد میان تعهد اجتماعی تعمیم‌یافته و عام‌گرایی رابطه وجود دارد.
- فرضیه‌ی هفتم: به نظر می‌رسد میان سن و عام‌گرایی رابطه وجود دارد.
- فرضیه‌ی هشتم: به نظر می‌رسد میان تحصیلات و عام‌گرایی رابطه وجود دارد.



شکل شماره‌ی یک- مدل تحلیلی تحقیق

روش‌شناسی

تحقیق حاضر، از نظر معیار زمان، مقطعی، به لحاظ ماهیت، کاربردی و به لحاظ وسعت پهنانگر است. ابزار جمع‌آوری در این تحقیق پرسش‌نامه بوده و واحد تحلیل نیز فرد است. جمعیت آماری در این تحقیق کلیه‌ی افراد ۱۵ سال به بالا در شهر دهدشت هستند. براساس سالنامه‌ی آماری استان کهگیلویه و بویراحمد در سال ۱۳۹۲، جمعیت کل شهر دهدشت ۵۶۲۷۹ نفر بوده است که از این تعداد ۴۵۸۸۶ نفر را افراد ۱۵ سال و بالاتر تشکیل می‌دهند. برای تعیین حجم نمونه، براساس فرمول تعیین حجم کوکران و با سطح اطمینان ۱/۹۶، دقت برآورد ۱/۰۵ = d و حداکثر واریانس ۲۵/ = pq ، نمونه‌ی ۳۸۲ نفری انتخاب شده است. اما برای افزایش اطمینان کار، نمونه‌ی ۴۰۰ نفری برای این تحقیق در نظر گرفته شده است. در پایان پس از کنار گذاشتن پرسش‌نامه‌های مخدوش، اطلاعات مربوط به ۳۸۹ نفر مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

شیوه‌ی نمونه‌گیری به این صورت بوده که با استفاده از نقشه‌ی پستی شهر دهدشت، از شیوه‌ی نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شده است. براساس نقشه‌ی پستی، شهر دهدشت دارای ۴ گشت پستی که هر گشت دارای ۸ جزء پستی است (در مجموع ۳۲ جزء پستی). بنابراین، از میان ۳۲ جزء پستی، ۵۰ درصد، یعنی ۱۶ جزء پستی انتخاب شده است. از آن‌جا که مناطق مختلف این شهر تقریباً دارای بافت همگنی هستند، نمونه‌ها به طور یکسان در گشت‌های پستی توزیع شدند. بدین صورت که، برای هر گشت پستی ۱۰۰ نمونه در نظر گرفته شده است. در ادامه و از آن‌جا که برای هر گشت پستی ۴ جزء پستی در نظر گرفته شد، نمونه‌های مورد نظر در هر گشت پستی به تعداد مساوی میان جزء‌های پستی توزیع شدند (هر جزء پستی ۲۵ نمونه). در آخرین مرحله، نقطه‌ای از بلوک‌های موجود در هر جزء پستی به صورت تصادفی تعیین و نمونه‌های مورد نظر انتخاب شده است.

برای سنجش اعتبار ابزار اندازه‌گیری از اعتبار صوری استفاده شده است. بنابراین، نظر تنی چند از استادان دانشگاه اساس کار قرار گرفت تا اعتبار صوری سؤالات سنجیده شود. در نهایت پس از اعمال نظرهای پیشنهادی، ابزار سنجش مناسب کار تشخیص داده شد.

به منظور تعیین میزان پایایی از شیوه‌ی آلفای کرونباخ استفاده شده است. بنابراین، پس از تهیه و تدوین شاخص‌ها، مطالعه‌ی مقدماتی بر روی نمونه‌ای ۳۰ نفری صورت گرفت که نتایج حاصل از آن در جدول زیر قید شده است.

جدول شماره یک- مقدار آلفای کرونباخ مربوط به متغیر وابسته و متغیرهای مستقل

نام متغیر	عام‌گرایی	مشارکت اجتماعی		اعتماد		پایگاه ذهنی	احساس انومی	احساس محرومیت	تعهد اجتماعی
		۱	۲	۱	۲				
بعد	-	۰/۶۹	۰/۷۳	۰/۶۹	۰/۷۳	-	-	-	-
		کل		کل		-	-	-	-
آلفای کرونباخ	۰/۸۴	۰/۶۹	۰/۷۳	۰/۶۹	۰/۷۳	۰/۸۱	۰/۷۲	۰/۸۶	۰/۸۷
		۰/۷۱		۰/۷۱		۰/۷۸	۰/۷۲	۰/۸۶	۰/۸۷

تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیر وابسته (عام‌گرایی)

در سطح نظام فرهنگی، «عام‌گرایی» الگوی هنجاری است که کنشگر را در یک موقعیت معین در سوگیری نسبت به سوژه‌ها براساس استانداردهای عام ترغیب می‌کند. در سطح نظام اجتماعی، «عام‌گرایی» انتظارات نقشی است که در موقعیت و شرایط مختلف در تصمیم‌گیری برای رفتارهای مختلف بر اساس استانداردهای تعریف شده و مستقل از ارتباط خاص کنشگر با آن سوژه عمل کند (ربانی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۳۹).

عام‌گرایی در مقابل خاص‌گرایی، یکی از متغیرهای الگویی پارسونز است. این متغیرها با ورود به عرصه‌ی انتخاب کنشگر، انتخاب‌های وی را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ با ورود به نظام شخصیتی کنشگر، به خلق عادت انتخاب می‌انجامد؛ با ورود به سطح جمعی، به تعریف نقش می‌پردازند و با ورود به سطح فرهنگی، به تکوین ملاک‌های ارزشی منتهی می‌شوند. در حالت عام‌گرایی، برخلاف خاص‌گرایی که در آن ملاک‌های قدردانی بر ملاک‌های شناختی تقدم و اولویت دارند، تقدم با ملاک‌های شناختی است و این ملاک‌ها بر قدردانی تقدم و اولویت دارند (محمدی‌اصل، ۱۳۹۰: ۶۰-۶۲).

در این تحقیق منظور از عام‌گرایی این است که کنشگران تا چه اندازه بر اساس ضوابط عام مربوط به هر موقعیت عمل می‌کنند. به بیان دیگر، کنشگران تا چه اندازه همه‌ی افراد جامعه را به یک چشم می‌نگرند و مرزهای قبیله‌ای، طایفه‌ای و محلی در نزد آن‌ها رنگ باخته و کنش‌های آن‌ها عام و عمومی است.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی

بر طبق یافته‌های تحقیق، دامنه‌ی سنی در گروه نمونه میان ۱۶ تا ۷۱ سال و میانگین سن پاسخ‌گویان ۳۲/۴ است. هم‌چنین، ۵۹/۶ درصد کل پاسخ‌گویان را مردان و ۴۰/۴ درصد کل پاسخ‌گویان را زنان به خود اختصاص داده‌اند. وضعیت تأهل پاسخ‌گویان نیز به این صورت بوده است که، ۴۱/۴ درصد پاسخ‌گویان مجرد و ۵۸/۶ درصد کل پاسخ‌گویان متأهل می‌باشند. در بررسی وضعیت تحصیلی افراد نیز نتایج به‌دست آمده نشان داده است که، ۴/۹ درصد کل پاسخ‌گویان بی‌سواد، ۷/۵ درصد دارای تحصیلات ابتدایی، ۱۳/۴ درصد دارای تحصیلات راهنمایی،

۳۹/۱ درصد دارای تحصیلات دبیرستان، ۵/۱ درصد دارای تحصیلات فوق‌دیپلم، ۲۳/۹ درصد دارای تحصیلات کارشناسی و ۶/۲ درصد دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر هستند. دامنه‌ی درآمد در گروه نمونه میان ۱۵۰۰۰۰ تا ۷۰۰۰۰۰۰ تومان و میانگین درآمد پاسخ‌گویان ۹۶۵۹۲۵ تومان است.

هم‌چنین، میانگین عام‌گرایی در میان کل پاسخ‌گویان ۱۱/۹۶ به‌دست آمده است. از آن‌جا که پنج‌گویه برای این متغیر در نظر گرفته شده است و در قالب طیف لیکرت از ۱ تا ۵ نمره‌گذاری شده‌اند، با توجه به میانگین به‌دست آمده و حداکثر نمره‌ی ممکن (نمره‌ی ۲۵)، میزان عام‌گرایی در میان افراد ۴۷/۸ درصد است که پایین‌تر از حد متوسط است.

جدول شماره‌ی دو- آماره‌های توصیفی مربوط به عام‌گرایی (متغیر وابسته)

آماره‌های توصیفی	مشاهدات	میانگین	واریانس	انحراف معیار	حداقل	حداکثر	حداکثر نمره ممکن
عام‌گرایی	۳۸۹	۱۱/۹۶	۱۷/۳۵	۴/۱۷	۵	۲۲	۲۵

یافته‌های مربوط به فرضیات پژوهش

با توجه یافته‌های پژوهش، مشارکت اجتماعی در هر دو بعد عینی و ذهنی رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری با عام‌گرایی دارد و این رابطه در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار است. یعنی، هرچه افراد مشارکت اجتماعی بیش‌تری داشته باشند جهت‌گیری‌های عام‌گرایانه نیز در میان آن‌ها بیش‌تر است. از دیگر فرضیات پژوهش آزمون رابطه میان اعتماد اجتماعی و عام‌گرایی بوده است. اعتماد اجتماعی به دو صورت خاص (اعتماد به خانواده، دوستان و آشنایان) و عام (تعمیم یافته) مورد سنجش قرار گرفته است. یافته‌ها حاکی از آن است که، اعتماد عام رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری با عام‌گرایی دارد، اما اعتماد خاص با عام‌گرایی رابطه‌ی معنی‌داری نشان نداده است.

رابطه‌ی میان پایگاه اجتماعی- اقتصادی و عام‌گرایی از دیگر فرضیات این پژوهش بوده است. در این پژوهش پایگاه اجتماعی- اقتصادی در دو بعد عینی و ذهنی مورد سنجش قرار گرفته است. در بعد عینی نتایج حاصل از آزمون آنالیز واریانس یک طرفه نشان می‌دهد که میان پایگاه اجتماعی- اقتصادی و عام‌گرایی رابطه وجود دارد. هم‌چنین، نتایج آزمون ضریب هم‌بستگی حاکی از آن است که پایگاه اجتماعی- اقتصادی ذهنی رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری با عام‌گرایی دارد. یعنی،

افرادی که خود را دارای پایگاه اجتماعی-اقتصادی بالاتری می‌دانند از جهت‌گیری عام‌گرایانه‌ی بالاتری برخوردار هستند. لازم به‌ذکر است که پس از کنترل سایر متغیرها، رابطه‌ی معنی‌داری میان پایگاه اجتماعی-اقتصادی ذهنی و عام‌گرایی دیده نشده است. هم‌چنین، نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون چند متغیره حاکی از آن است که پایگاه اجتماعی-اقتصادی ذهنی تأثیر معنی‌داری در تبیین واریانس عام‌گرایی ندارد. نتایج تحلیل مسیر نیز نشان داده است که پایگاه اجتماعی-اقتصادی ذهنی به صورت مستقیم تأثیر معنی‌داری در تبیین واریانس عام‌گرایی ندارد بلکه تأثیر آن به صورت غیر مستقیم و از طریق احساس محرومیت است. به عبارتی، می‌توان گفت رابطه‌ی میان پایگاه اجتماعی-اقتصادی با عام‌گرایی رابطه‌ای کاذب و متأثر از احساس محرومیت است.

فرضیه‌ی دیگر تحقیق به آزمون رابطه میان احساس آنومی و عام‌گرایی پرداخته است. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که رابطه‌ی معکوس و معنی‌داری میان احساس آنومی با عام‌گرایی وجود دارد. یعنی، هرچه افراد شرایط جامعه را ناهنجار تصور کنند و احساس آنومی بیش‌تر باشد جهت‌گیری‌های عام‌گرایانه پایین‌تر است.

رابطه‌ی میان احساس محرومیت و عام‌گرایی یکی دیگر از فرضیه‌های این تحقیق بوده است. طبق نتایج حاصل شده، میان احساس محرومیت و عام‌گرایی رابطه‌ی معکوس و معنی‌داری وجود دارد. به عبارتی، هرچه احساس محرومیت بیش‌تر باشد افراد کمتر جهت‌گیری عام‌گرایانه خواهند داشت.

از دیگر فرضیه‌های پژوهش، آزمون رابطه میان تعهد اجتماعی تعمیم‌یافته با عام‌گرایی بوده است. یافته‌ها حاکی از وجود رابطه‌ای مثبت و معنی‌دار میان تعهد اجتماعی و عام‌گرایی است. یعنی، هرچه افراد از تعهد اجتماعی بالاتری برخوردار باشند جهت‌گیری‌های آن‌ها بیش‌تر عام‌گرایانه خواهد بود.

در بررسی رابطه میان متغیرهای زمینه‌ای با عام‌گرایی نیز نتایج زیر حاصل شده است:

طبق نتایج بدست آمده، رابطه‌ی معنی‌داری میان سن پاسخ‌گویان و عام‌گرایی وجود ندارد.

رابطه‌ی میان تحصیلات با عام‌گرایی دیگر فرضیه‌ی زمینه‌ای در این پژوهش بوده است. طبق نتایج حاصل از آزمون آنالیز واریانس، میانگین عام‌گرایی در میان مقاطع مختلف تحصیلی تفاوت معنی‌داری دارد. با توجه به نتایج حاصل از آزمون Tukey، میانگین عام‌گرایی در میان پاسخ‌گویانی که دارای تحصیلات «کارشناسی» و «کارشناسی ارشد و بالاتر» می‌باشند نسبت به سایر مقاطع

تحصیلی بالاتر می‌باشد و تفاوت معنی‌داری دارد. میانگین عام‌گرایی در میان سایر مقاطع تحصیلی تفاوت معنی‌داری نشان نداده است. به عبارتی، افرادی که دارای تحصیلات دانشگاهی هستند نسبت به سایر افرادی که دارای تحصیلات پایین‌تری هستند از جهت‌گیری‌های عام‌گرایانه‌ی بالاتری برخوردار هستند.

جدول شماره‌ی سه- نتایج آزمون آنالیز واریانس یک طرفه میان تحصیلات و عام‌گرایی

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه‌ی آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی‌داری
میان گروهی	۶۴۵/۴	۶	۱۰۷/۶	۶/۸	۰/۰۰۰
درون گروهی	۶۰۸۷/۰۴	۳۸۲	۱۵/۹		
کل	۶۷۳۲/۴	۳۸۸	-		

جدول شماره‌ی چهار- نتایج آزمون ضریب هم‌بستگی پیرسون میان سن و عام‌گرایی

نام متغیر	ضریب هم‌بستگی	سطح معنی‌داری
سن	-۰/۰۹	sig=۰/۰۹

جدول شماره‌ی پنج- نتایج آزمون ضریب هم‌بستگی پیرسون میان متغیرهای مستقل و عام‌گرایی (متغیر وابسته)

متغیرهای مستقل	مشارکت اجتماعی	پایگاه ذهنی	اعتماد خاص	اعتماد عام	احساس انومی	احساس محرومیت	تعهد اجتماعی
عام‌گرایی	r=۰/۳۳ sig=۰/۰۰۰	r=۰/۲۱ sig=۰/۰۰۰	r=۰/۰۲ sig=۰/۷۱	r=۰/۱۸ sig=۰/۰۰۰	r=-۰/۳۵ sig=۰/۰۰۰	r=-۰/۳۱ sig=۰/۰۰۰	r=۰/۳۱ sig=۰/۰۰۰

یافته‌های مربوط به تحلیل رگرسیون و تحلیل مسیر

طبق نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون ($R^2 = ۰/۲۵$)، متغیرهای وارد شده در مدل ۲۵ درصد از واریانس عام‌گرایی را تبیین می‌کنند. هم‌چنین، با توجه به ضرایب Beta و سطوح معنی‌داری مربوط به هر کدام، متغیرهای احساس انومی، مشارکت اجتماعی، اعتماد خاص، احساس محرومیت و تعهد اجتماعی در تبیین واریانس متغیر وابسته تأثیرگذار هستند که در این میان بیش‌ترین تأثیر مربوط به مشارکت اجتماعی است. هم‌چنین، دو متغیر پایگاه اجتماعی- اقتصادی ذهنی و اعتماد عام تأثیر معنی‌داری در تبیین واریانس متغیر وابسته نداشته‌اند.

در تحلیل مسیر از آن‌جا که ضرایب استاندارد فرض شده‌اند، این امکان وجود دارد که آن‌ها را به صورت مستقیم با هم‌دیگر مقایسه کنیم. نتایج به‌دست آمده حاکی از آن است که مشارکت اجتماعی، احساس محرومیت، احساس آنومی، و اعتماد خاص به صورت مستقیم بر عام‌گرایی تأثیرگذار هستند. اعتماد عام و پایگاه اجتماعی-اقتصادی ذهنی نیز به صورت مستقیم تأثیر معنی‌داری بر عام‌گرایی ندارند؛ اما پایگاه اجتماعی-اقتصادی ذهنی به صورت غیر مستقیم و از طریق احساس محرومیت بر عام‌گرایی تأثیرگذار است. اعتماد عام نیز به صورت غیر مستقیم و از طریق مشارکت اجتماعی بر عام‌گرایی تأثیرگذار است.

در تحلیل مسیر می‌توان با حذف بعضی مسیرهای مدل علی، مدل به سامان تری به‌دست آورد. معمولاً برای این کار از دو ملاک معنی‌دار بودن آماری و معنی‌دار بودن نظری می‌توان استفاده کرد. با اتخاذ یک ملاک آماری معنی‌دار بودن، شخص می‌تواند به حذف مسیرهایی بپردازد که در سطح از قبل معین شده معنی‌دار نیستند. بعضی محققین نیز ملاک نظری معنی‌دار بودن را ترجیح می‌دهند. از آن‌جا که ارائه‌ی مجموعه‌ای از قواعد برای تعیین معنی‌دار بودن نظری امکان ندارد، بعضی محققین توصیه می‌کنند که ضرایب مسیر کوچک‌تر از ۰,۰۵ نظراً غیر معنی‌دار تلقی شوند (کرلینجر و پدهازر، ۱۳۸۹: ۴۳۱-۴۳۲).

مدل نهایی تحقیق پس از حذف مسیرهایی که ضرایب آن‌ها کوچک‌تر از ۰,۰۵ است در شکل شماره‌ی دو نشان داده شده است.

جدول شماره‌ی شش - تجزیه واریانس رگرسیون چندگانه‌ی متغیرهای مستقل و عام‌گرایی (متغیر وابسته)

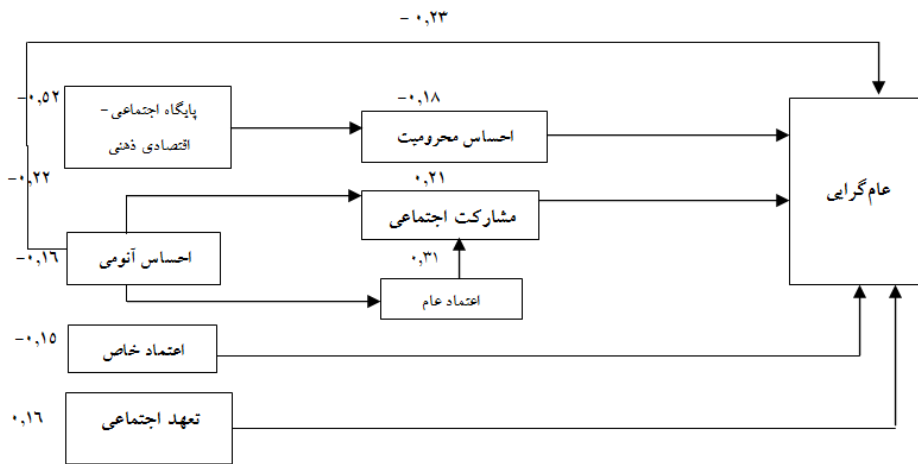
مدل	مجموع مجذورات	درجه‌ی آزادی	میانگین مجذورات	کمیت F	سطح معنی‌داری	ضریب هم‌بستگی چندگانه	ضریب تعیین (R^2)
رگرسیون	۱۶۷۷/۵	۷	۲۳۹/۶	۱۸۰/۶	۰/۰۰۰	۰/۵۰	۰/۲۵
باقیمانده	۵۰۵۴/۹	۳۸۱	۱۳/۳	-	-	-	-
کل	۶۷۳۲/۴	۳۸۸	-	-	-	-	-

جدول شماره‌ی هفت- نتایج حاصل از رگرسیون چند متغیره‌ی فرضیه‌های تحقیق

متغیرها	شاخص‌ها	B	اشتباه استاندارد	Beta	مقدار t	سطح معنی‌داری
ثابت (a)		۱۶/۹	۲/۹	-	۵/۸	۰/۰۰۰
پایگاه اجتماعی-اقتصادی ذهنی		۰/۰۲	۰/۰۷	۰/۰۲	۰/۳	۰/۷۶
احساس انومی		-۰/۲۶	۰/۰۶	-۰/۲۳	-۴/۷	۰/۰۰۰
مشارکت اجتماعی		۰/۱۶	۰/۰۴	۰/۲۱	۳/۷	۰/۰۰۰
تعهد اجتماعی تعمیم‌یافته		۰/۲۲	۰/۰۷	۰/۱۶	۳/۰۵	۰/۰۰۲
اعتماد خاص		-۰/۱۶	۰/۰۵	-۰/۱۵	-۳/۰۱	۰/۰۰۳
اعتماد عام یا تعمیم‌یافته		۰/۰۲	۰/۰۳	۰/۰۴	۰/۴	۰/۴۰
احساس محرومیت		-۰/۱۷	۰/۰۵	-۰/۱۸	-۳/۳	۰/۰۰۱

جدول شماره‌ی هشت- نتایج مربوط به تحلیل مسیر مدل نظری پژوهش

معادله‌ی ۴	معادله‌ی ۳	معادله‌ی ۲	معادله‌ی ۱	معادله‌ها
عام‌گرایی	مشارکت اجتماعی	اعتماد عام یا تعمیم‌یافته	احساس محرومیت	متغیر وابسته متغیرهای مستقل
$\beta=۰/۰۲$ sig=۰/۷۶			$\beta=-۰/۵۲$ sig=۰/۰۰۰	پنداشت فرد از پایگاه خود
$\beta=-۰/۲۳$ sig=۰/۰۰۰	$\beta=-۰/۲۲$ sig=۰/۰۰۰	$\beta=-۰/۱۶$ sig=۰/۰۰۱		احساس انومی
$\beta=۰/۰۴$ sig=۰/۴۰	$\beta=۰/۳۱$ sig=۰/۰۰۰			اعتماد عام یا تعمیم‌یافته
$\beta=۰/۱۶$ sig=۰/۰۲				تعهد اجتماعی تعمیم‌یافته
$\beta=۰/۲۱$ sig=۰/۰۰۰				مشارکت اجتماعی
$\beta=-۰/۱۵$ sig=۰/۰۰۳				اعتماد خاص
$\beta=-۰/۱۸$ sig=۰/۰۰۱				احساس محرومیت
$R^2=۰/۲۵$ sig=۰/۰۰۰	$R^2=۰/۱۸$ sig=۰/۰۰۰	$R^2=۰/۰۹$ sig=۰/۰۰۰	$R^2=۰/۲۷$ sig=۰/۰۰۰	ضریب تعیین و سطح معنی- داری مربوط به هر معادله



شکل شماره دو- مدل نهایی تحقیق با استفاده از ضرایب مسیر

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در عصر حاضر، توجه به منافع و مصالح عمومی، ارج نهادن به قواعد و ارزش‌های جامعه، شناسایی مؤلفه‌های اجتماعی، عام‌گرایی و هم‌نوایی عوامل با نظام استانداردهای ارزشی از مهم‌ترین دغدغه‌ها و نگرانی‌ها در هر جامعه‌ای است. در مقابل، عدم شکل‌گیری شهروند موظف و مسئول، ترجیح روابط خونی به روابط انجمنی و شهری، ضعف جامعه‌ی مدنی و نهادهای مرتبط با آن، خاص‌گرایی در برابر عام‌گرایی، ضعف قانون‌مداری، هنجارپذیری و سازگاری اجتماعی پیامدهای زیان‌باری به دنبال دارد.

یافته‌ها حاکی از آن است که میزان عام‌گرایی در جامعه‌ی مورد مطالعه پایین‌تر از حد متوسط است. به عبارتی، نظام‌های خویشاوندی و شبکه‌های ارتباطی از نوع محدود و درون‌گروهی الگوهای رفتاری بسیاری از افراد را تعیین می‌کنند.

هم‌چنین، نتایج حاصل از بررسی فرضیه‌ها نشان داده است که، میزان شعاع اعتماد در میان افراد محدود به خانواده، دوستان و آشنایان است و پاسخ‌گویان از اعتماد عام یا تعمیم‌یافته‌ی پایینی برخوردار هستند. این در حالی است که، هرچه افراد از اعتماد عام یا تعمیم‌یافته‌ی بالاتری برخوردار باشند، مشارکت اجتماعی بیشتری دارند و مشارکت اجتماعی نیز به بهبود جهت‌گیری‌های عام‌گرایانه می‌انجامد. بنابراین، تلاش در جهت بهبود عملکرد نهادها و سازمان‌های دولتی و پاسخ سریع و به‌موقع مسئولین به نیازها و خواسته‌های مردم می‌تواند گام مؤثری در

گسترش شعاع اعتماد، افزایش مشارکت‌های اجتماعی و در نتیجه بهبود جهت‌گیری‌های عام‌گرایانه باشد. همچنین، افزایش مشارکت‌های اجتماعی می‌تواند به بهبود آشنایی افراد با حقوق شهروندی، نزدیکی فیزیکی و فکری افراد به یک‌دیگر، کاهش فاصله‌های اجتماعی، افزایش روحیه‌ی تساهل و مدارا و رشد آگاهی‌های جامعه‌ای منجر شود و با تعمیق روابط انجمنی می‌توان سنت‌های ریشه‌دار محلی که موجب کاهش مشارکت اجتماعی، تعلق‌های خاص‌گرایانه و اعتماد خاص در میان افراد می‌شوند را به سوی عام‌نگری هدایت کرد.

طبق یافته‌های تحقیق، میزان احساس محرومیت در میان پاسخ‌گویان بالاتر از حد متوسط می‌باشد و هرچه افراد بیشتر احساس محرومیت کنند از میزان عام‌گرایی پایین‌تری برخوردار می‌باشند.

از آن‌جا که احساس محرومیت می‌تواند موجب انفصال و دوری فرد از نظام ارزش‌ها، باورها، هنجارها و اهداف فرهنگی شود، لزوم ایجاد فرصت‌های برابر در زمینه‌های مختلف و ایجاد احساس عدالت در میان قشرهای مختلف جامعه احساس می‌شود. همچنین، توجه به مقوله‌ی شایسته‌سالاری و ایجاد امید در میان گروه‌های مختلف می‌تواند نتایج مثبتی به دنبال داشته باشد.

طبق یافته‌ها، هرچه احساس انومی (ناهنجاری) در میان افراد بیش‌تر باشد، جهت‌گیری‌های عام‌گرایانه و توجه به مصالح عمومی پایین‌تر است و افراد از راه‌های غیرقانونی به دنبال منافع خاص خود هستند.

عدم توجه به مصالح عمومی می‌تواند جبران ناکارآمدی سیاست‌های عمومی دولت باشد. هنگامی که نظام‌های انتظام‌بخش کارایی لازم را نداشته باشند، مردم برای جبران ناکارآمدی‌ها به راه‌های غیرقانونی متوسل می‌شوند که طبیعتاً تضییع منافع عمومی را به دنبال دارد و موجب نارضایتی و آشفتگی بیش‌تر می‌شود. بنابراین با بهبود عملکرد نهادهای مسئول می‌توان ناهنجاری‌ها را مدیریت و افراد را در جهت بهبود علایق عمومی و نگرش‌های عام‌گرایانه ترغیب کرد.

نتایج حاکی از آن است که تحصیلات دانشگاهی می‌تواند افزایش جهت‌گیری‌های عام‌گرایانه را به دنبال داشته باشد. بنابراین، با اهتمام در افزایش فرصت‌های تحصیلی و بهبود عملکرد نهادهای آموزشی می‌توان به تضعیف قضاوت‌های سنتی و پیش‌داورانه که بر مبنای خواستگاه‌های جنسیتی، خانوادگی، طایفه‌ای و غیره صورت می‌گیرند کمک کرد و به بهبود معیارهای عام‌گرایانه امیدوار بود.

در حالی که انتظار می‌رود جوان‌ترها با تأثیرپذیری از شرایط نوین، از نگرش‌ها و جهت‌گیری‌های عام‌گرایانه‌ی بالاتری برخوردار است، نتایج حاکی از عدم وجود رابطه‌ای معنی‌دار میان سن با عام‌گرایی می‌باشد. این مسأله را می‌توان ناشی از ضعف نهادها و سازمان‌های مسئول در شناسایی و نهادینه کردن علایق عام‌گرایانه و منافع عمومی دانست.

از آن‌جا که جامعه‌ی ایران و از جمله جامعه‌ی مورد مطالعه (شهر دهمدشت) جامعه‌ای جوان می‌باشد و با توجه به این‌که جوانان می‌توانند سرمایه‌های مادی و معنوی برای یک کشور باشند، توجه به امر آموزش و انتقال ارزش‌ها و منافع جمعی و عمومی به جوانان بیش‌تر احساس می‌شود.

منابع و مأخذ

۱. اسکیدمور، ویلیام (۱۳۸۵) *تفکر نظری در جامعه‌شناسی*، جمعی از مترجمان، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
۲. امام‌جمعه‌زاده، جواد، محمدرضا رهبر قاضی، امید عیسی‌نژاد، زهره مرندی (۱۳۹۱) «بررسی رابطه میان احساس محرومیت نسبی و مشارکت سیاسی در میان دانشجویان دانشگاه اصفهان»، *دو فصلنامه‌ی علمی پژوهشی دانش سیاسی*، سال هشتم، شماره‌ی اول (شماره‌ی پیاپی ۷۵): ۳۷-۶۸.
۳. آبراهامز، جی. اچ (۱۳۶۳) *مبانی و رشد جامعه‌شناسی*، بی‌جا، چاپ اول.
۴. جهان‌بین، داریوش (۱۳۸۰) «ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی لره‌های کهگیلویه و بویراحمد»، *فصلنامه‌ی مطالعات ملی*، سال سوم، شماره‌ی ۱۰: ۱۷۵-۲۰۶.
۵. چلبی، مسعود (۱۳۸۹) *جامعه‌شناسی نظم؛ تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی*، تهران: نشر نی، چاپ پنجم.
۶. ربانی، علی، بهجت یزدخواستی، ابراهیم حاجیانی، حسینعلی میرزائی (۱۳۸۷) «بررسی رابطه‌ی هویت ملی و قومی با تأکید بر احساس محرومیت و جامعه‌پذیری قومی؛ مورد مطالعه: دانشجویان آذری، کرد و عرب»، *مسائل اجتماعی ایران*، سال ۱۶، شماره‌ی ۶۳: ۳۳-۶۹.
۷. ریشه، گی (۱۳۷۶) *جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز*، ترجمه‌ی عبدالحسین نیک‌گهر، مؤسسه‌ی فرهنگی انتشاراتی تبیان، چاپ اول.
۸. صداقت زادگان، شهناز (۱۳۸۱) «عوامل اجتماعی مؤثر بر وفاق اجتماعی در شهر تهران»، *مروری بر پژوهش‌های فرهنگ عمومی؛ نشست‌های علمی کارشناسی از بهمن ۱۳۷۸ تا آذر ۱۳۷۹*، محسن فردرو، انتشارات اسلیمی.
۹. طالبی، ابوتراب (۱۳۷۸) «بیگانگی ارزشی جوانان»، *نامه‌ی پژوهش*، شماره‌ی ۱۴ و ۱۵: ۱۹۹-۲۲۸.
۱۰. عباس‌زاده، محمد، محمد باقر علیزاده اقدم، رضا اسلامی (۱۳۹۱) «بررسی رابطه بین سرمایه‌ی اجتماعی و آنومی اجتماعی»، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی*، دوره‌ی اول، شماره ۱: ۱۴۵-۱۷۲.
۱۱. غفاری، غلامرضا، میثم نوابی (۱۳۸۸) «تبیین گستره و شعاع اعتماد اجتماعی در شهر کاشان»، *دانشنامه‌ی علوم اجتماعی*، دوره‌ی ۱، شماره‌ی ۲: ۲۰۷-۲۳۱.

۱۲. فاطمی‌نیا، سیاوش، سیامک حیدری (۱۳۸۹) «عوامل مرتبط با تعهد شهروندی»، فصلنامه‌ی علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره‌ی ۳۸: ۴۱-۶۴
۱۳. کرایب، یان (۱۳۸۵) نظریه اجتماعی مدرن: از پارسونز تا هابرماس، ترجمه‌ی عباس مخبر، تهران: انتشارات آگاه، چاپ سوم.
۱۴. کرلینجر، فردریک نیکلز، پدهازر، الازار ج (۱۳۸۹) رگسیون چند متغیّری در پژوهش رفتاری، ترجمه‌ی حسن سرایی، تهران: انتشارات سمت، چاپ چهارم.
۱۵. لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۹۱) «نقش محرومیت نسبی در افزایش خشونت‌های شهری مناطق حاشیه‌نشین؛ مورد مطالعه: شهر کرمانشاه»، مطالعات شهری، سال دوم، شماره‌ی سوم: ۲۱-۶۴.
۱۶. له‌مان، جنیفر (۱۳۸۵) ساخت‌شکنی دورکیم (نقدی پسا پسا ساختارگرایانه)، ترجمه‌ی شهناز مسمی‌پرست، تهران: نشر نی، چاپ اول.
۱۷. محسنی‌تبریزی، علیرضا (۱۳۸۳) «سنجش میزان فATALیسم و رابطه‌ی آن با احساس کارآمدی و احساس بی‌قدرتی سیاسی در بین زنان بالغ مناطق شهری کشور»، نامه‌ی پژوهش فرهنگی، سال هشتم، شماره ۹: ۱۶۹-۲۰۱
۱۸. محمدی‌اصل؛ عباس (۱۳۹۰) تالکت پارسونز و نظریه‌ی کنش، تهران: نشر گل‌آذین.
۱۹. مرتن، رابرت (۱۳۸۵) مشکلات اجتماعی و نظریه‌ی جامعه‌شناختی، ترجمه‌ی نوین تولایی، تهران: انتشارات امیر کبیر، چاپ دوم.
۲۰. موسوی، میرطاهر (۱۳۹۱) درآمدی بر مشارکت اجتماعی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان، چاپ اول.
۲۱. میرفردی، اصغر (۱۳۸۸) «عام‌گرایی و زمینه‌های تأثیرگذار بر آن در مناطق در حال توسعه: مورد مطالعه شهر یاسوج»، پژوهش‌نامه‌ی علوم اجتماعی، سال نهم، شماره‌ی ۱ (شماره‌ی پیاپی ۳۴): ۱۱۳-۱۴۰.
۲۲. نواح، عبدالرضا، مجتبی تقوی‌نسب (۱۳۸۶) «تأثیر احساس محرومیت نسبی بر هویت قومی و هویت ملی؛ مورد مطالعه: اعراب استان خوزستان»، مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران، دوره‌ی هشتم، شماره‌ی ۲: ۱۴۲-۱۶۳.

23. Edinea alcantara, Fatimafurtado, circe monteiro(2012) «solidarity and mutual assistance in low-income communities: every practices to overcome scarcity and improve quality of life, recife, brazil», **social and behavioral sciences**, 35: 344- 352
24. Paskov, M. and Dewilde, C. (2012) «Income inequality and solidarity in Europe». **J. Research in Social Stratification and Mobility**, 30: 415-432.